روزنامه شرق

هنر • روزنامه

فکری برای موسیقی کودکان زیر ۱۵سال نشده است — صفحه ۸

با نور می‌توان مجسمه ساخت، گفت‌وگو با محمدحسین عماد — صفحه ۹

فروشگاه‌ها را ببینید — صفحه ۱۰

از راست لیلی گلستان، فریال ساحشور، لیلی ثمری، الهه جواهری و آریا اقبال/ عکس: آیدین رهبر، شرق

دغدغه‌ها و امیدهای اعضای گروه «هفت نگاه» در گفت‌وگو با «شرق»:

دردسرها را به جان می‌خریم

پرویز براتی- سحر آزاد

«هفت نگاهی»ها که خود را عاشق ایران می‌دانند، می‌گویند به خاطر همین احساس، دردسرهای یک حرکت فرهنگی را به جان خریده‌اند. آنها همچون سال‌های گذشته ششمین نمایشگاه «فروش بزرگ سال» را از سوم تا سیزدهم آبان در فرهنگسرای نیاوران برگزار کردند. این گروه با حضور لیلی گلستان مدیر گالری گلستان، فریال سلحشور مدیر گالری دی، لیلی ثمری مدیر گالری هفت ثمر، مژگان والی‌پور مدیر گالری والی، الهه جواهری مدیر گالری الهه و آریا اقبال مدیر گالری آریا شکل گرفته، ضمن اینکه والی‌پور، اقبال و آریا به صورت مشترک مدیریت گالری ماه مهررا بر عهده دارند. هدف آنها که از سال ۸۵ فعالیت خود را با پیشنهاد سیدمحسن هاشمی، مدیر سابق موزه امام‌علی(ع) آغاز کردند، رونق بخشی به اقتصاد هنر و واردشدن آثار هنری به خانه‌های مردم است. با اینکه در دوره اول توانستند با استقبال مواجه شوند اما مسیرشان خیلی هم هموار نبود و در این سال‌ها با مشکلاتی روبه‌رو شدند همچنانکه وقتی خود را برای برگزاری سومین دوره آماده می‌کردند به دلیل موانعی که برایشان ایجاد شد موفق به برگزاری نمایشگاه در آن سال نشدند و به همین دلیل تقویمی که دوست داشتند زمان نمایشگاهشان در آن ثابت بماند، به هم ریخت. در برخی از دوره‌ها هم به جای فرهنگسرای نیاوران مجبور شدند نمایشگاه را در گالری پردیس سینمایی ملت برپا کنند. با این‌حال به‌رغم نبود حمایت دولت در سال‌های گذشته حضور علی مرادخانی، معاون هنری وزارت ارشاد در مراسم افتتاح هفت نگاه امسال، نور امیدی برای حمایت از بخش خصوصی در این زمینه به وجود آورد. ما نیز در یک روز پاییزی که با باران همراه شد، پذیرای این گروه شدیم؛ هرچند مژگان والی‌پور به دلیل سفر نتوانست در این میزگرد شرکت کند. در این نشست درباره جزییات این دوره و برنامه‌های آینده‌شان به گفت‌وگو نشستیم.

در نشست مطبوعاتی پیش‌بینی کرده بودید امسال استقبال خوبی از نمایشگاه صورت می‌گیرد. آیا به نتایجی که در نظر داشتید، رسیدید؟

الهه جواهری: پیش‌بینی ما این بود که امسال فروش بهتری خواهیم داشت که واقعا بهتر بود. منتها ما پایان نمایشگاه یک آسیب‌شناسی انجام می‌دهیم تا نقایصی را که در این دوره بوده یا دوره‌های قبل وجود داشته، رفع شود. به هرحال نمایشگاه خوبی داشتیم و در مجموع راضی بودیم.

گلستان: اتفاقی که این دفعه افتاد، توجه به جوانان بود. از طرف دیگر، مجموعه‌دارانی که گاهی اوقات بعضی از آنها را اصلا نمی‌شناختیم، خرید کردند؛ مثلا یک نفر آمد هفت‌میلیون‌تومان اثر هنری خرید کرد یا فرد دیگری ۱۲میلیون‌تومان. این برای ما جذابیت زیادی داشت برای اینکه مجموعه‌داران جدیدی را به ما شناساند که می‌توانیم از این به بعد آنها را تحت حمایت خود قرار دهیم و این آشنایی را برای دفعات بعد نگه داریم. پنج، شش‌نفر بودند که کارهای زیادی خریدند و شناختی از آنها نداشتیم اما از نظر من حضورشان بسیار مهم بود. نکته بعدی اینکه قیمت‌های امسال ما بسیار مورد اقبال مخاطبان قرار گرفت چون خیلی‌ها به ما گفتند قیمت‌های امسال خیلی خوب است. همیشه می‌خواستیم قیمت‌های منصفانه‌ای داشته باشیم. می‌خواستیم قیمت‌ها مثل حراج‌های خارج از ایران نباشد و قیمت تهران باشد که اینطور شد.

سلحشور: برایم جالب بود که کسانی چند اثر خریدند. بعضی از آنها از حرفه‌های دیگری به سوی خرید آثار هنری روی آورده بودند، مثلا یکی از آنها فرش فروشی بود که خرید اثر را شروع کرده بود. خودش می‌گفت که به سمت کارهای هنری جذب شده است. وقتی پرسیدم از چه زمانی به این کار علاقه‌مند شده، گفت که از دو، سه سال اخیر. پس مشخص است فروش‌ها، حراج‌ها و همین هفت نگاه روی حرفه‌های مختلف تاثیر گذاشته است. حتی کسانی که مجموعه‌دار عتیقه هستند به این حوزه روی آورده‌اند. بنابراین فکر می‌کنم دوره خیلی خوبی برای اقتصاد هنر است و آدم‌ها در کنار شغل اصلی‌شان به این کار می‌پردازند. همچنین اضافه شدن خریداران جدید خیلی خوب بود. ورود جوانانی که به توصیه ما گوش کردند و قیمت آثارشان را پایین آوردند، در فروش‌های این دوره خیلی اهمیت داشت. زمان نمایشگاه ما کم بود، اگر زمان بیشتری داشتیم استقبال بیشتری هم صورت می‌گرفت. نمایشگاه امسال خیلی خوب بود، راضی بودم و بازدیدکنندگان هم رضایت داشتند.

آریا اقبال: یکی از جمله‌هایی که در این مدت از زبان یکی از خریداران شنیدم این بود که می‌گفت می‌خواهد اثر هنری بخرد تا سرمایه‌ای برای فرزندش شود.

گلستان: مردم فهمیده‌اند که این کار، یک نوع پس‌انداز است و می‌توانند روی فروش این آثار با قیمت بیشتر حساب کنند.

ثمری: وقتی مردم این همه اثر را با این‌همه تنوع می‌بینند، خودش نوعی آموزش هنری هم است. آثار به نمایش گذاشته شده در هفت نگاه، سلایق مختلف را پوشش می‌داد. برخی از مجموعه‌داران اطلاعات زیادی از هنر ندارند و یک اثر را فقط به‌عنوان اینکه متعلق به یک هنرمند خوب و بزرگ است، آن را می‌خرند ولی در هفت نگاه مردم آثار را از روی سلیقه خودشان انتخاب می‌کردند. نکته بعدی این است که برخی نقاشان به ما گفتند که قیمت‌ها پایین است و متوجه شده‌اند که بهتر است کارهایشان با قیمت منطقی فروخته شود چون اینطوری تعداد بیشتری فروش می‌رود.

سلحشور: تعدادی از هنرمندانی که با آنها سروکار دارم، به من گفتند که چرا قیمت‌ها را پایین آورده‌اید، من هم گفتم وقتی عنوان شود که از شما چهار اثر خریداری شده است اعتبار و ارزش بیشتری برای شما خواهد داشت تا اینکه بگوییم یک اثر از شما با قیمت بالایی فروش رفته است.

واقعا قیمت‌ها پایین‌تر بود؟

سلحشور: بله. در مقایسه با گالری‌ها، قیمت‌ها خیلی پایین‌تر بود. همه هنرمندان لطف و حرف ما را قبول کردند.

جواهری: ما با هنرمندان صحبت کردیم و به آنها گفتیم نمایشگاه هفت نگاه برای فروش آثار هنری است و قاعدتا از نمایشگاه‌هایی که در گالری‌ها برگزار می‌کنید باید قیمت پایین‌تری داشته باشد.

یعنی استاندارد این است که قیمت آثار چنین نمایشگاه‌هایی پایین‌تر باشد؟

اقبال: ما سعی کردیم قیمت پایین‌تری در نظر بگیریم.

الان شاهد قیمت‌های عجیب و غریبی در گالری‌ها هستیم. گاهی قیمت آثار جوانان از آثار استادانشان بالاتر است. چه کار باید کرد که قیمت‌ها سر و سامان بگیرد؟

سلحشور: اگر یک اتحادیه باشد که گالری‌ها دور هم جمع شوند و حرف‌هایشان را بزنند، شاید به نتایج بهتری برسند اما باید با هنرمند هم صحبت کرد و گالری‌دار، هنرمند را راضی کند که قیمت‌های مناسبی بگذارد. در ۹۸درصد موارد وقتی با هنرمند صحبت کنید که قیمت متعادل‌تری برای اثرش انتخاب کند، او هم قبول می‌کند در غیر این صورت من هم قبول نمی‌کنم که نمایشگاه را با چنین قیمت‌های بالایی برگزار کنم چون برای گالری هم درست نیست.

اقبال: یک گالری‌دار حتما باید اصول و معیارهایی داشته باشد. باید هنر، اقتصاد، مدیریت، بازار داخلی و جهانی را بشناسد. متاسفانه ما در کشورمان رشته‌ای به نام گالری‌داری، اقتصاد هنر و بازاریابی هنر نداریم. پس خود گالری‌دار است که باید به یادگیری و مطالعه و بررسی این موضوعات بپردازد و حتی از هوش خود برای مقایسه ایران با دیگر نقاط دنیا بهره ببرد. وقتی این اتفاق نمی‌افتد، تصمیم‌گیری‌ها غلط می‌شود و همه اینها دست به دست هم می‌دهد تا یک بازار نا بسامان شکل بگیرد.

سلحشور: در این میان باید به این نکته هم توجه کرد که مجوز گالری‌ها به کسانی داده می‌شود که مدرک هنری داشته باشند. دو، سه بار افرادی وارد گالری شدند که خیلی جوان بودند و از من راهنمایی می‌خواستند که چگونه گالری را اداره کنند. در مورد قیمت‌ها نیز قیمت بالا به نفع گالری است اما همیشه گالری‌دار باید منافع آینده هنرمند را در نظر بگیرد تا هنرمند بتواند اثرش را بفروشد و شناخته شود. برای هنرمند خیلی دردناک است کارش را در انبار نگه دارد. در این زمینه باید صحبت‌های زیادی با هنرمندان جوان شود.

جواهری: وقتی قیمت کارشناسی نشود، کار فروش نمی‌رود و خیلی بد است که هنرمند بعدا به این آگاهی می‌رسد که قیمت اثرش را پایین می‌آورد. اگر کم‌کم قیمت بالا برود خیلی بهتر است تا وقتی قیمت بالا باشد و بعد قیمت را پایین بیاورند یا تخفیف زیادی بدهند.

گلستان: گالری هم اینجا بدنام می‌شود. البته با مدیریت‌های جدید وزارت ارشاد امیدواریم در دادن مجوز گالری جدی‌تر عمل شود برای اینکه هرکسی که به وزارت ارشاد می‌رفت، به دلیل مکانی که در اختیار داشت مجوز می‌گرفت نه به دلیل شعور و آگاهی در این رشته. به همین دلیل کسانی وارد گالری‌داری شده‌اند که درک درستی از هنر، نقاشی و سبک‌های مختلف ندارند؛ مثلا با مراجعانی برخورد داشته‌ام که می‌گفتند وقتی به یک گالری مراجعه کرده‌اند، مدیر گالری تفاوت سبک‌ها را نمی‌دانسته است. همه این مسایل در نهایت به ما ضرر می‌زند چون باید مرتب بگوییم که ما اینطور نیستیم و مدام خودمان را ثابت کنیم. درحالی که وقتی دارید کارتان را درست انجام می‌دهید نباید مرتب خودتان را ثابت کنید. به دلیل اشکالات بقیه، ما باید مرتب بگوییم که افراد منضبطی هستیم، پولتان را سر موقع می‌دهیم اما لزومی ندارد که این همه انرژی مصرف کنیم که خودمان را ثابت کنیم.

در هفت سال گذشته برای برگزاری نمایشگاه «هفت نگاه» با چالش‌هایی روبه‌رو بوده‌اید و انرژی زیادی به کار برده‌اید تا کارتان را راه بیندازید. با این حال مدیران فرهنگی در سال‌های گذشته موانعی ایجاد کردند که همین مسایل باعث شد توان گروه گرفته شود. کمی هم در مورد مسایلی که نتوانستید در این هفت سال به آنها بپردازید، بگویید...

گلستان: سعی کردیم هر کاری را که دلمان می‌خواهد، انجام دهیم و تا آنجاکه بلدیم، کار کنیم. البته یک سال آقای شالویی (مدیر وقت مرکز هنرهای تجسمی وزارت ارشاد) جلوی کارمان را گرفت.

اقبال: دو سال هم نتوانستیم نمایشگاه را در فرهنگسرای نیاوران برگزار کنیم.

گلستان: بله. مکان نمایشگاه را تغییر دادیم که بعدا فهمیدیم اشتباه بود ولی ما به ناچار این کار را کردیم و از سر اجبار به سراغ مکان‌هایی رفتیم که جواب خوبی نگرفتیم. فرهنگسرای نیاوران از همه جا بهتر است چون محیط قشنگ‌تر است و حرفه‌ای‌تر عمل می‌کنند، یک مکان شناخته شده هم هست برای همین ترجیح می‌دهیم از این پس نمایشگاهمان در فرهنگسرای نیاوران برگزار شود ولی کارهایی که می‌خواستیم انجام دهیم اما نتوانستیم، کم بود.

یعنی همه اهدافتان محقق شده است؟

گلستان: بله. ممکن است در رسیدن به همه آنها پایین و بالا داشته‌باشیم ولی همچنان در راستای آن اهداف جلو می‌رویم و انرژی بیش از حدی که برای رسیدن به این اهداف لازم است، مصرف می‌کنیم. البته این موضوع همگانی است و فقط مختص هفت نگاه نیست. ما هر کاری که بخواهیم در این مملکت انجام دهیم، انرژی سه، چهار برابری نیاز داریم. دیگر عادت کرده‌ایم.

نمایشگاه هفت نگاه تاکید زیادی روی نقاشی و مجسمه دارد. حتما تصدیق می‌کنید که اگر بخواهید هفت نگاه را گسترش دهید تا به یک حرکت قوی «هنری - اقتصادی» شبیه آنچه در آرت بازل، آرت دوبی و آرت ابوظبی می‌بینیم، تبدیل شود، باید به سمت هنرهای جدید برود. قبول دارید هفت نگاه می‌توانست به این جنبه‌ها نیز توجه کند؟

اقبال: ما سعی کرده‌ایم یک بازار فروش انتخاب شده و بادقت را ایجاد کنیم.

ثمری: و داخلی.

اقبال: بله داخلی. اگر می‌توانستیم خریداران ایرانی یا شاید خریداران غیرایرانی هنرشناس داشته باشیم، موقعیت‌مان خیلی تغییر می‌کرد. در مورد ارایه هنرهای دیگر، این موضوعی نیست که به آن فکر نکرده باشیم. ما مرتب داریم راجع به این موضوع صحبت می‌کنیم که به غیر از نقاشی و مجسمه روی چه رشته‌های دیگری متمرکز شویم اما این کار احتیاج به زمان و درهای باز دارد.

ثمری: و البته مکان بزرگ‌تر، تا بتوانیم ویدئوآرت نشان دهیم.

اقبال: ما حداقل یک سالن با تعدادی دستگاه نیاز داریم. ما یا واقعا باید از لحاظ مالی آنقدر قوی باشیم که خودمان به عنوان یک مرکز این توانایی را داشته باشیم تا این ایده‌ها را اجرایی کنیم که الان چنین امکانی نداریم یا اینکه حامیان مالی قوی داشته باشیم که متاسفانه وجود ندارد. راه سوم این است که دولت حمایت کند. ما بیشتر از آنچه در توانمان هست، کار می‌کنیم.

سلحشور: آن هم بدون هیچ چشمداشتی. با اینکه خیلی دلمان می‌خواست و مردم و هنرمندان تقاضا می‌کردند اما نتوانستیم کاتالوگ چاپ کنیم.

جواهری: در این مورد که تمرکز ما روی نقاشی و مجسمه بوده است، باید بگویم چند روز قبل صحبتی با خانم مینانوری داشتم. او از این موضوع خیلی خوشحال بود که امسال در جراید نوشته می‌شود نقاشی، مجسمه و چاپ. او می‌گفت که امسال کارهای چاپ خیلی خوب فروش رفته‌اند. من فکر می‌کنم ارایه آثار چاپی در نمایشگاه‌های هفت نگاه، باعث شده است توجه به کارهای چاپی بیشتر شود.

سلحشور: شاید روزی در هفت نگاه عکس هم گذاشتیم، منتها نیاز به فضای خیلی بزرگی داریم.

اقبال: ما حتی مایل هستیم کارهای غیرایرانی درجه یک ارایه دهیم. این امکان هم برایمان فراهم است اما وقتی با این شرایط روبه‌رو هستیم و فروش کارهای غیرایرانی با ماجراها و نقل و انتقال آن با مشکل مواجه می‌شود یا نمایشگاه را با آرت بازل مقایسه می‌کنید، باید به شرایط خودمان هم نگاه کنیم یعنی به صرف اینکه گالری‌دار هستیم این موقعیت را برای ما فراهم نمی‌کند که در آن سطح حرکت کنیم.

گلستان: اسم هفت نگاه نمایشگاه فروش بزرگ سال است؛ یعنی می‌خواهیم آثار هنرهای تجسمی بفروشیم بنابراین اگر ویدئوآرت یا چیدمان هم ارایه کنیم، فروش نخواهد کرد. البته آنها را هم به نمایشگاه خواهیم آورد مثل مجسمه که الان جای خودش را باز کرده است ولی به سرعت اتفاق نخواهد افتاد. یک ایرانی در ایران ویدئوآرت نمی‌خرد اما در خارج از کشور فروش خیلی خوبی دارد، کمااینکه ویدیوآرت‌های فریده لاشایی خیلی خوب فروش کرد. بنابراین ما آرام آرام باید به سوی جاافتادن این شاخه‌ها برویم.

البته اگر مثالی از آرت بازل یا آرت دوبی زده شد برای این بود که بگوییم به هنرهای جدید هم می‌توان توجه کرد...

اقبال: حتی کاری را که نمایشگاه استانبول می‌کند ما نمی‌توانیم انجام دهیم. شاید اگر ما در این روزگار نبودیم خیلی جلوتر از اتفاق‌هایی که در استانبول یا کشورهای دیگر می‌افتد، حرکت می‌کردیم؛ اما در آن شرایط نیستیم.

سلحشور: در کشورهای دیگر سرمایه‌داران با ورود به کارهای فرهنگی، با تخفیف مالیاتی مواجه می‌شوند در نتیجه این امتیاز را دولت به آنها می‌دهد تا آنها در فرهنگ سرمایه‌گذاری کنند اما در ایران سرمایه‌داران ترجیح می‌دهند وارد کارهایی شوند که سرمایه‌شان بلافاصله تبدیل به پول شود. باید زمینه‌ای فراهم کرد که آنها را به سرمایه‌گذاری تشویق کرد.

جواهری: مجموعه عواملی نیز هست که تاثیر می‌گذارد؛ مثلا دوستی تعریف می‌کرد فیلمی از نمایشگاه هانیبال‌الخاص در کرمانشاه تهیه کرده بود و بعد آن فیلم در یکی از شبکه‌های اجتماعی پخش شده بود. او از طریق اداره ارشاد پیگیری کرده و به او گفته بودند «چه اشکالی دارد؟ بگذارید همه ببینند.» یعنی هنوز این فیلم به‌عنوان اثر هنری هویت ندارد که بتواند خرید و فروش شود. برای همین مقایسه با کشورهای دیگر سخت است چون آنها برای اثر هنری یک جایگاه دیگری قایل هستند.

شما در این دوره از هفت نگاه نتوانستید حامی مالی پیدا کنید؟

سلحشور: نه. پیدا نشد! همه افرادی که ممکن است برای کارهای دیگر خیلی پول خرج کنند، حامی چنین کارهای فرهنگی‌ای نیستند.

اما در حراج‌های خارجی خریداران ایرانی زیادی هستند که از آثار ایرانیان حمایت می‌کنند...

سلحشور: اما در اینجا حمایت نمی‌کنند.

گلستان: هنوز جانیفتاده است کسانی که امکانات مالی دارند از چنین حرکت‌هایی حمایت کنند.

فکر نمی‌کنید از این به بعد باید فکری در این زمینه کنید؟

اقبال: این موضوع خیلی به هفت نگاه مربوط نمی‌شود. هفت نگاه باید امکاناتی برای انجام این کار داشته باشد.

> **هفت نگاه روی حرفه‌های مختلف تاثیر گذاشته است. حتی کسانی که مجموعه‌دار عتیقه هستند به این حوزه روی آورده‌اند. بنابراین فکر می‌کنم دوره خیلی خوبی برای اقتصاد هنر است و آدم‌ها در کنار شغل اصلی‌شان به این کار می‌پردازند. همچنین اضافه شدن خریداران جدید خیلی خوب بود**

ادامه در صفحه ۹

کارنامه هفت‌ساله

گالری‌داران با «هفت‌نگاه» همراه شوند

پرویز کلانتری*

«هفت‌نگاه» یکی از مهم‌ترین رویدادهای تجسمی ایران است که توسط بخش خصوصی راه‌اندازی شده و در هفت سال گذشته توانسته تاثیر بسزایی در فروش آثار هنری داشته باشد. این رویداد زمینه‌ای را برای به‌نمایش گذاشتن آثار بسیاری از هنرمندان به‌خصوص هنرمندان جوان که شرایط نمایش آثارشان را ندارند، فراهم کرده است. ایده و شیوه برگزاری نمایشگاه «هفت‌نگاه» بسیار خوب است و باید شرایطی فراهم شود که سایر گالری‌داران نیز با این رویداد همراه شوند یا به همین شیوه حراج دیگری نیز در طول سال راه‌اندازی شود.

من از هفت‌سال گذاشته همواره از طریق لیلی گلستان با «هفت‌نگاه» همکاری کرده و آثار جدیدم را برای نمایش و فروش در اختیار این نمایشگاه گذاشته‌ام و همواره هم آثارم در این حراج با اقبال روبه‌رو شده است. در این دوره از «هفت‌نگاه» دو تابلو از مجموعه کاه‌گلی‌ها که مربوط به ۱۲سال پیش است به نمایش گذاشتم. هنرمندان باید از رویدادهایی چون «هفت‌نگاه» حمایت کنند و دولت نیز باید فضای بیشتری برای نمایش آثار در اختیار این رویداد بگذارد. البته با تمام خوبی‌هایی که هفت‌نگاه دارد، نقدهایی هم بر آن وارد است و یکی از این نقدها این است که خود برگزارکنندگان باید شرایط نقل و انتقال آثار هنرمندان پیشکسوت را به محل برگزاری دهند. من خیلی دوست داشتم که اثری بزرگ در هفت‌نگاه به نمایش بگذارم اما چون از خودم خواستند که ماشین بگیرم و اثرم را به‌دست برگزارکنندگان برسانم، ترجیح دادم اثری کوچک ارایه دهم.

مکعب سفید

سطح کیفی آثار بالا رفته است

علی شیرازی*

این چهارمین دوره است که در فروش بزرگ هفت‌نگاه شرکت دارم. همیشه این گروه را ستایش می‌کنم زیرا شش‌خانم فرهیخته و باتجربه در زمینه گالری‌داری از سال ۸۵ با همکاری و تلاش، «هفت‌نگاه» نمایشگاه و فروش بزرگ سال را با این کیفیت و کمیت برگزار می‌کنند. هر سال شاهد آن هستیم که استقبال مخاطبان، هنرمندان و خریداران آثار هنری از این رویداد بیشتر می‌شود. من به عنوان یک هنرمند قدردان زحمات چنین افرادی هستم که در زمینه اقتصاد هنر و معرفی آثار هنری کوشا هستند.

سطح کارها در ششمین دوره «هفت‌نگاه» نسبت به دوره‌های پیشین بهتر شده است. در این نمایشگاه نظاره‌گر آثار جوانان در کنار آثار پیشکسوتان هستیم زیرا یکی از دغدغه‌های هفت‌نگاه معرفی آثار جوانان هنرمند است. بنابراین می‌توان آثار پیشکسوتان و جوانان را در کنار هم رصد کرد.

من در ششمین دوره هفت‌نگاه با اثری از مجموعه «سیاه و سفید» شرکت کردم که در سال ۹۱ خلق شده و لکه‌های رنگی به آن اضافه شده است.

*هنرمند نقاشیخط

تابلوی کلمات

تجربه «هفت‌نگاه» و بهبود اقتصاد هنر

علی مرادخانی*

۱ بخش فروش آثار تجسمی یکی از مهم‌ترین بخش‌هایی است که زمینه کار روی آن زیاد است و باید در این بخش برنامه‌های متعددی را پیش بگیریم تا آثار هنری در آتلیه‌های هنرمندان خاک نخورند، باید این آثار به خانه‌های مردم راه پیدا کنند.

۲ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز با توجه به اهمیت موضوع اقتصاد هنر؛ مهندس مرتضی کاظمی را به‌عنوان مشاور اقتصاد فرهنگ و هنر مامور رونق‌بخشیدن به بخش اقتصاد هنر کرده و با توجه به اینکه تاکنون در این بخش برنامه خاصی به مرحله اجرا نرسیده است؛ باید مسیر مناسب و خوبی را برای رونق‌افزایی به این بخش پیدا کنیم. یکی از این راه‌ها این است که برای پیشبرد بحث اقتصاد هنر باید، موضوع معافیت مالیاتی این بخش سروسامان بگیرد.

۳ در این سال‌ها به نوعی شاهد کم‌کاری بوده‌ایم که به‌زودی بخشی از مشکلات موزه هنرهای معاصر تهران حل خواهد شد و صحبت‌هایی نیز برای فراهم‌کردن فضایی برای مبادلات آثار هنری با سایر کشورها انجام داده‌ایم که به‌زودی به تفصیل در این خصوص توضیح خواهم داد.

۴ باید از تجربیات «هفت‌نگاه» برای ساماندهی حراج‌های بزرگ بهره بگیریم و شرایطی را برای بهبود اقتصاد هنر رقم بزنیم چرا که مهم‌ترین بخش خلق اثر هنری معطوف به بازار فروش آن می‌شود و باید در این زمینه نیز در عرصه بین‌المللی تاثیرگذار باشیم. همان‌طور که آثار هنرمندان ایرانی در چند سال اخیر توانسته‌اند در عرصه بین‌المللی نگاه‌ها را به سمت کشور ما معطوف کنند.

من لیلی گلستان را یکی از تاثیرگذارترین مدیران گالری‌های ایران می‌دانم و ایشان سهم بسزایی در شناساندن هنرهای تجسمی به اقشار مختلف جامعه داشته است.

*معاون هنری وزیر فرهنگ‌وارشاداسلامی

پالت

بخش آموزش و «هفت‌نگاه»

محمدابراهیم جعفری*

خانم‌های «هفت‌نگاه» علاوه بر اینکه مدیر گالری هستند، هنرمند، صاحب‌نگاه‌ونویسنده‌اند. این نمایشگاه برآیند انرژی و زحماتی است که آنها برای برگزاری آن در طول این سال‌ها کشیدند و پشت هر اتفاقی که در «هفت‌نگاه» رخ می‌دهد، فکر و برنامه مدونی وجود دارد. در این نمایشگاه شاهد آثاری هستیم که از درون و هم از برون می‌جوشند. وقتی هنر از درون می‌جوشد که به اوج خود رسیده باشد. یک اثر هنری باید به‌گونه‌ای باشد که با نگاه به آن پی به رموز هنرمند ببریم. من تاکنون در تمام دوره‌های «هفت‌نگاه» شرکت داشته‌ام و در این دوره تابلویی مربوط به دهه۷۰ و از مجموعه «عبور از هفت اقلیم» را ارایه دادم و در این اثر خاطرات متعددی را برای مخاطب مرور کرده‌ام. در این دوره هفت‌نگاه، که آثاری در معرض دید قرار گرفته‌اند، در مقایسه با دوره‌های پیش بسیار قابل‌تامل هستند و به‌نظر می‌رسد که در هر دوره از این نمایشگاه آثار ارایه‌شده با رشد خوبی روبه‌رو هستند. بسیاری معتقدند در نمایشگاه‌های گروهی که تعداد آثار و هنرمندان زیاد است، نمی‌توان آثار را به‌خوبی کنار هم چیدمان کرد، اما در «هفت‌نگاه» به بهترین شکل ممکن آثار کنار هم قرار گرفته‌اند؛ مثل دیواری که به نقاشی‌خط اختصاص داده شده، با مشاهده این آثار در کنارهم؛ می‌توان مسیری که این هنرمندان و این هنر پشت‌سر گذاشته است را مرور کرد. بخش آموزش باید به نمایشگاه‌هایی چون «هفت‌نگاه»؛ توجه ویژه‌ای داشته باشد و مراکزی چون هنرستان‌های تجسمی شاگردان خود را به صورت گروهی برای بازدید از این نمایشگاه بیاورند. حتی من حاضرم در صورت فراهم‌شدن زمینه حضور هنرجویان جوان در رویدادهایی چون «هفت‌نگاه» به‌عنوان استاد راهنما درباره شیوه خلق این آثار برای هنرجویان سخن بگویم.

*نقاش و استاد دانشگاه

کرباس خاکستری

چیدمان خوب آثار

بهنوش فروتن*

همکاری شش‌خانم مدیر گالری با هم و برگزاری ششمین دوره «هفت‌نگاه» بسیار ستودنی است. من تاکنون در دو دوره «هفت‌نگاه» شرکت کرده‌ام. یکی از نکات جالب‌توجه این دوره «هفت‌نگاه» نوع چیدمان و جداکردن آثار پیشکسوتان از جوانان بود که هفت‌نگاه کارهای استادان را در گالری شماره۲ فرهنگسرای نیاوران به نمایش گذاشتند و آثار هنرمندان جوان در گالری شماره‌یک این مجموعه به تماشا گذاشته شد و این باعث می‌شود تا مخاطبان برای دیدن آثار هنرمندان به‌راحتی به گالری موردنظر مراجعه کنند. من در این دوره از «هفت‌نگاه» با اثری متعلق به مجموعه «کهکشان» شرکت کردم، این مجموعه شامل ۲۳اثر است که تاکنون نمایش داده نشده و هر کدام از این آثار رنگ‌بندی خاص خود را دارند. همه کارهای این مجموعه انتزاعی‌اند و همه اتفاقات در لحظه شکل گرفته است.

*پرفروش‌ترین هنرمند «هفت‌نگاه» پنجم